

توسعه با تکیه بر چهار محور

مکاتب اقتصاد سیاسی کلاسیک و معاصر از مرکانتالیست‌ها گرفته تا اجتماعیون و اشتراکیون و اخیراً نئوکلاسیک‌ها و نهادگرایان معاصر بر آنند که دادوستد و همکاری‌های اقتصادی بین کشورها و قاره‌ها، کاهنده منازعات هستند و موجب افزایش رفاه و ثروت می‌شوند. چندان‌که مبادلات فرامرزی نه تنها ضریب امنیت و آسایش را در داخل کشورها و جوامع بشری افزایش می‌دهند، بلکه پیش‌نیاز ثبات و رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی به‌شمار می‌روند. بدیهی است افزایش ضریب امنیت ملی و منطقه‌ای به ایجاد و حفظ صلح جهانی کمک می‌کند. در دهه‌های اخیر، نوآوری‌های فنی، انبوه‌سازی کالاهای با فناوری بالا را ممکن ساخته و به نماد تولید و مبادله بین‌المللی تبدیل کرده است که علاوه بر مبادله در زمینه‌های انرژی (برق، گاز و نفت) کالاهای مصرفی نیز با محتوای بالای تکنولوژیک بخش اعظم حجم و ارزش مبادلات را به خود تخصیص داده‌اند و بنابراین حمل‌ونقل جاده‌ای، دریایی و شبکه‌های برق، گاز و نفت نقش عمده‌ای در تولید و درآمد ملی کشورها دارند. لاجرم ایجاد زیرساخت‌ها و فضاهای کسب‌وکار مشترک نیز با توسعه روابط تکنوبیزینس ملازمه پیدا کرده‌اند. «تعامل سازنده با جهان» در بخش‌های زیر می‌تواند مورد توجه اداره‌کنندگان کشور قرار گیرد.

به گزارش سایت خبری پرسون، اکبر ترکان نوشت:

۱- شناخت اقتصادی حوزه‌های تمدنی و حمل‌ونقل: تجارت (اعم از کالا، انرژی و اطلاعات) همواره جایگاه ویژه‌ای را در تبیین استراتژی قدرت‌های نظام جهانی به خود اختصاص داده است. از این‌رو هر یک از نقش‌آفرینان نظام جهانی به‌دنبال تبیین جایگاه خود در جهان هستند. ایران امروز با میراث تمدنی درخشان با ۱۶ کشور همسایه ارتباط مستقیم دارد و با جمعیت بیش از ۸۰ میلیون نفر، شاخص‌ترین کشور و قدرت منطقه‌ای در جنوب غربی آسیا است و جایگاه مهمی در اقتصاد جهانی دارد. شناخت اقتصادی کشورها براساس تقسیم‌بندی حوزه‌های تمدنی شامل خاورمیانه، حوزه دریای پارس (خلیج فارس و دریای عمان)، شبه‌قاره هند، حوزه آسیای پاسیفیک، حوزه فرارودان (ماوراءالنهر)، حوزه میان‌رودان (بین‌النهرین) و حوزه خزران و دریای سیاه، و شاخص‌های اقتصادی، تجاری و مالی کشورها، نگاه جامع‌تری درخصوص کشورها و نوع تعامل آنها با دنیا و سازندگی کشور از پی تعامل سازنده با جهان ایجاد خواهد کرد.

۲- تعاملات اقتصادی منطقه و جهان: تمدن آریایی-ایرانی پهنه فلات ایران، از تمامی سواحل دریای مازندران، دریای پارس و حوزه‌های آمودریا-سیردریا تا غربی‌ترین مرزهای چین را در بر می‌گرفت. این تمدن نخست با بومیان که پیشینه بیشتری در این سرزمین‌ها داشتند، شروع شد و سپس با دادوستد در حوزه‌های اقیانوس هند، مدیترانه و سواحل شرقی آفریقا در تجارت و جنگ و صلح دوران پرشکوه امپراتوری هخامنشی را آفرید که بیست و سه ساتراپی را که اکنون هر یک کشوری است، در بر می‌گرفت. سرزمین ایران، به مفهوم تاریخی آن، از زمان‌های دور با حوزه‌های دریای هند، مدیترانه، دریای سیاه و دریای چین در جنگ و صلح ارتباط داشته و نقش واسطه را بین این حوزه‌ها با دریای پارس، اقیانوس هند، دریای خزران، فرارودان (ماوراءالنهر) و میان‌رودان (بین‌النهرین) تا دریای چین بازی می‌کرد. از حلب تا کاشغر میدان سلطان سنجر است؛ (سروده امیر معزی نیشابوری در عهد سلجوقی). کاشغر در غرب چین است و حلب در سوریه نزدیک دریای مدیترانه و امروزه این مسیر یازده کشور مستقل را در بر می‌گیرد. احیای ارتباطات اقتصادی در زمینه حمل‌ونقل مستلزم ارتباطات گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی دالان‌ها (کریدورها)ی گذرنده از ایران امروز و تعریف نقش عمده آنها در ایجاد ثروت ملی و اشتغال در استیفای منافع ملی است که در گرو تعامل سازنده با جهان در حوزه‌های جغرافیایی و اقتصاد بین‌المللی است. این تصور نیز که تعامل سازنده با جهان به معنای تعامل با آمریکا و غرب است، ناقص بوده و صحبت اصلی تعامل با حوزه‌های تمدنی منطقه از میان‌رودان تا فرارودان و از دریای پارس تا دریای خزران است.

۳- انرژی: صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که بین انرژی و امنیت، تعامل و رابطه‌ای متقابل وجود دارد. درعین‌حال که در سایه امنیت، آرامش و ثبات به‌وجود می‌آید، رشد و توسعه پایدار نیز معنی و مفهوم پیدا می‌کند. از جانب دیگر، تعاملات انرژی بین‌المللی، کشور را امن‌تر و آن را در مقابله با چالش‌های امنیتی، توان‌تر می‌کند. حداقل طی دو دهه آینده همچنان بخش قابل‌توجهی از انرژی‌های اولیه موردنیاز جهان از طریق نفت و گاز تامین خواهد شد. بنابراین کشورهای تولیدکننده نفت و گاز باید راهکارها، سیاست‌ها و دیپلماسی تعامل با کشورهای مصرف‌کننده و ترانزیت‌کننده نفت و گاز و نیز همکاری با صادرکنندگان مواد هیدروکربوری را در اولویت منافع ملی خود قرار دهند. این رویکرد نقش تعیین‌کننده‌ای در تامین امنیت اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت، گاز و سایر مواد هیدروکربوری ایفا کرده و بر اهمیت آن در دهه‌های آتی افزوده می‌شود. لذا توسعه چرخه‌های انرژی بین ایران و همسایگان و دالان‌ها (کریدورها)ی انرژی جهان از نمونه‌های بارز تعامل سازنده با منطقه و جهان است.

۴- توسعه دریامحور: در ایران الگوی توسعه به‌معنای عام و توسعه شهری به‌معنای خاص و به‌تبع آنها پراکندگی جمعیتی در طول تاریخ، خشکی‌محور بوده و در برنامه‌های توسعه ملی، منطقه‌ای و شهری برای دریا جایگاه مناسبی تعریف نشده است. به‌همین دلیل تمرکز جمعیتی در ایران از الگوی خشکی‌محور تبعیت کرده و کشور کمتر بر انواع مزیت‌ها و ظرفیت‌های آبی و دریایی خود تمرکز و توجه کرده است. در راستای الگوی توسعه دریامحور، مفهوم بندر از محلی برای تبادل کالا بین راه‌های زمینی و دریایی به یک مرکز صنعتی، حمل‌ونقل و تجاری تغییر یافته و نقش مهمی برای بندر در زنجیره حمل‌ونقل یکپارچه که بر پایه تولید و توزیع بنا شده، به‌صورت شبکه‌ای از بنادر تعریف شده است. توسعه تجارت جهانی با توجه ویژه به توسعه دریامحور از جمله توسعه بنادر و ایجاد شهرهای صنعتی بزرگ، در کنار دریا می‌تواند زیرساخت‌های تعامل سازنده با جهان را به ارمغان بیاورد. غایت این امر توسعه زیرساخت‌ها، توسعه سواحل مکران و خورآبادها در سواحل جنوبی کشور خواهد بود.

